

## راه‌های استکبارستیزی انقلابیون از دیدگاه قرآن کریم

مهدی باکویی<sup>۱</sup>

احد داوری چلقائی<sup>۲</sup>

### چکیده

استکبار راه‌های برقراری توحید کلمه و دستورات الهی مورد نیاز سعادت بشر و تعالی جامعه را مسدود یا محدود می‌کند، لذا انسان‌های آزادی‌خواه با آن به مبارزه برمی‌خیزند، از جمله انقلابیون و رهروان واقعی انبیاء علیهم‌السلام با بهره‌گیری از آیات قرآن در ستیزه‌جویی با استکبار تلاشی هدفمند دارند تا با روش‌های گوناگونی به مبارزه اقدام کنند. پژوهش حاضر با تحلیل آیات قرآن کریم درصدد بررسی راه‌های استکبارستیزی انقلابیون است. از نظر نویسندگان، مهم‌ترین راه‌های استکبارستیزی در دو محور کلی تقویت نیروهای انقلاب و مبارزه بیرونی با مستکبران صورت می‌گیرد. تقویت نیروهای انقلابی نیز با آگاهی بخشی، کسب آمادگی، ایجاد پشتوانه فرهنگی، فرهنگ‌سازی مبارزه با استکبار و معرفی راه جایگزین کبر انجام می‌شود. عدم تبعیت، بیان صریح مواضع نیروهای انقلابی، بیان استدلال عقلی، تحقیر شخصیت، تحریم، نبرد با مستکبران، هجرت و تقیه راه‌های مبارزه بیرونی با مستکبران است که متناسب با شرایط اجتماعی سیاسی از سوی نیروهای انقلابی اتخاذ و پیگیری می‌شود.

**واژگان کلیدی:** استکبار، استکبارستیزی، تقویت درونی، مبارزه، انقلابیون، قرآن کریم

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده قم.

۲. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده قم؛ آدرس الکترونیکی: ahaddavari@gmail.com

هر فرد انقلابی وظایفی در مقابل دشمنان دارد که اگر به وظایف خود عمل کند زمینه استقرار اهداف انقلاب را فراهم می‌کند، از جمله مهم‌ترین وظایف در مقابل دشمنان، ستیزه‌جویی با استکبار است که با توجه به پیامدهای منفی استکبار اهمیت زیادی دارد، بر اساس آیات قرآن کریم، ابلیس به دلیل استکبار از درگاه خداوند رانده شد: قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْغَالِينَ (ص ۷۵) و بزرگ‌ترین دشمنان پیامبران نیز مستکبران بودند: أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ (بقره ۸۷)، از این رو بررسی راه‌های استکبارستیزی، مسیر دعوت پیامبران و اجرای دستورات آن‌ها را در جامعه هموار خواهد کرد، از طرف دیگر نیروهای پیرو انبیاء علیهم‌السلام با راه‌های مختلفی به مبارزه با استکبار پرداخته‌اند که تحلیل شیوه رفتار آن‌ها علاوه بر ارائه الگوی مبارزه موردپذیرش قرآن برای نسل‌های امروزی، راه‌های قرآنی مبارزه با استکبار را پیش روی ملت‌های مستضعف قرار می‌دهد؛ همچنین مبارزه روشمند و هدف‌دار، یکی از نشانه‌های بلوغ جامعه اسلامی به شمار خواهد رفت و آسیب‌های ناشی از برخورد غیر روشی (یا روش‌های نادرست) با مستکبران را به حداقل خواهد رساند و حداکثر بهره را در مبارزه با استکبار به ارمغان خواهد آورد. این مبارزه گاهی با تقویت نیروهای انقلابی بروز پیدا می‌کند و گاهی در ستیزه‌جویی مستقیم با مستکبران رخ نشان می‌دهد، البته به تناسب شرایط نیروهای انقلابی و مقایسه توانایی آن‌ها با توان مستکبران، یک یا چند راه از موارد ذکر شده می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیل و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، سعی می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که بر طبق آیات قرآن، نیروهای انقلابی از چه راه‌هایی به ستیز با استکبار پرداخته‌اند؟

از مهم‌ترین مقالات تألیف شده در زمینه استکبارستیزی می‌توان به «معناشناسی استکبار در قرآن» به قلم اصغر افتخاری و مجتبی باباخانی در نشریه آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی و «معناشناسی واژه استکبار در قرآن کریم بر مبنای نظریه ایزوتسو» به قلم سید مهدی شهیدی در نشریه معرفت اشاره کرد. برخی پایان‌نامه‌ها نیز به این موضوع پرداخته‌اند از جمله پایان‌نامه کارشناسی ارشد طاهره حیدر نژاد در دانشگاه ایلام که با عنوان «اصول و روش‌های برخورد با استکبار در قرآن و حدیث» به بررسی موضوع پرداخته است و زهره انجام نجم الدینی از پایان‌نامه «شیوه‌های استکبارستیزی در قرآن» در حوزه علمیه دفاع کرده است. از معروف‌ترین کتاب تدوین شده در زمینه مبارزه با استکبار می‌توان به «استکبارستیزی در قرآن» تألیف قدرت الله فرقانی، «استکبار و استضعاف در قرآن» به قلم محمد سروشی و احمد حیدری اشاره کرد؛ همچنین برخی کتب مانند «استکبارستیزی در سیره امیر المومنین علیه‌السلام» تألیف کاظم محدثی به بررسی بخشی از سیره اهل بیت علیهم‌السلام در موضوع مورد بحث پرداخته‌اند.

بررسی منابع تألیف شده مستقل و غیرمستقل درباره راه‌های استکبارستیزی لزوم بررسی مجدد این موضوع را نمایان می‌کند؛ زیرا در برخی منابع، راه‌های مبارزه با استکبار به‌طور دقیق بیان نشده‌اند، یا راه‌های معرفی شده مربوط به مستکبران نیستند، در پژوهش حاضر با توجه به طبقه‌بندی صورت گرفته، علاوه بر دقت در ارائه راه‌های استکبارستیزی، سعی شده است تا زمینه‌های ایجاد استکبار در ارائه راه مبارزه نیز مدنظر قرار گیرد تا راه‌های جدیدی نیز برای ستیزه‌جویی با استکبار استخراج شود، علاوه بر اینکه همه سوره‌های مکی و مدنی و همه مستکبران ذکر شده در تاریخ انبیاء بررسی می‌شود تا ضمن احصای موارد دور از ذهن، راه‌کاری جامع برای ستیزه‌جویی با استکبار ارائه گردد.

## ۲- مفهوم شناسی

برای تبیین صحیح مسئله مورد بحث پژوهش و جلوگیری از برداشت‌های نادرست از اصطلاحات خاص، مفهوم «انقلابیون» و «استکبار» بررسی می‌شود.

### ۲-۱- انقلابیون

«انقلابیون» به معنای نیروهای انقلابی هستند و «انقلاب» واژه‌ای عربی از ریشه «قلب» به معنای دگرگونی و برگرداندن چیزی از سویی به سوی دیگر است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۷) لذا در باب انفعال به معنای انصراف و بازگشتن خواهد بود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۴۷) که در برخی آیات مانند «إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ» (اعراف ۱۲۵) به همین معنای لغوی به‌کاررفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۸۱). در زبان فارسی تعاریف اصطلاحی گوناگونی که از آن صورت گرفته است (محمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۱-۲۶) که در مجموع می‌توان «انقلاب» را به معنای دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی دانست که نسبت به قبل از انقلاب اتفاق می‌افتد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۷) که معادل چنین تعریفی در ادبیات عربی با «الثورة» از ریشه «ثور» به معنای هیجان و برانگیختگی (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۴ ص ۱۰۸) بیان می‌شود. مراد از انقلاب در پژوهش حاضر «بعثت پیامبران» است که این تعبیر یا معادل عربی آن در آثار معاصران برای بعثت پیامبران به‌کاررفته است<sup>۱</sup> و بررسی معنای لغوی بعثت بیانگر ارتباط معنادار آن با انقلاب است؛ زیرا از ریشه «بعث» مشتق شده که بر «اثارة» و برانگیخته شدن دلالت می‌کنند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۶۶) و بررسی موارد مختلف استعمال آن بیان می‌کند که به تناسب ویژگی‌های هر مورد، مفهوم خاصی از برانگیختگی و دگرگونی را شامل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۳۲)، مانند برانگیختن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای تبلیغ، برانگیختن لشکر برای جهاد، برانگیختن و بیدار کردن فرد خوابیده برای ادای وظایف، برانگیختن مردگان برای حساب (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۱۲؛ ابن فارس، ۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۶۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۱۱۶) که در همه این موارد نوعی دگرگونی و انقلاب دیده می‌شود. خاطر نشان می‌شود واژه «انقلاب» در قرآن به معنای اصطلاحی فوق به کار نرفته است (نیکفر و باقری، ۱۳۹۵، ص ۱۱). با این توضیح مصداق نیروهای انقلابی در آیات قرآن کریم نیروهای پیرو پیامبران (اعم از خود پیامبران یا پیروانشان) خواهند بود.

### ۲-۲- استکبار

استکبار از ریشه کبر به معنای بزرگی (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ص ۳۶۱) است که برخی از آن به ضد صغر و کوچکی تعبیر نموده‌اند (ابن فارس، ۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۵۳) لذا مفهومی نسبی دارد که در مقایسه با چیز دیگر، بزرگی یا کوچکی درک می‌شود؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۹۶) از این رو استکبار در باب استفعال به معنای «تعظم» و بزرگ دانستن (جوهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۰۲) خواهد بود که به امتناع عناد آمیز از قبول حق و بزرگ دانستن خود می‌انجامد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۱۲۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۶۶) البته حرف سین و تا (هیئت باب استفعال) در این‌گونه موارد برای افاده مبالغه است، نه طلب محض (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۵۸). استکبار در آیات قرآن هم به معنای فوق به کار رفته است، از جمله در باره ابلیس آمده است: وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ؛ (بقره ۳۴) و حضرت نوح علیه‌السلام عدم حق پذیری قوم

خود را چنین بیان کرده است: وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (نوح ۷).

در برخی روایات نیز به معنای استکبار اشاره شده است، در روایتی از امام رضا علیه السلام به نقل از جد بزرگوارشان حضرت علی علیه السلام چنین آمده است: هُوَ تَرَكُ الطَّاعَةَ لِمَنْ أَمَرُوا بِطَاعَتِهِ وَ التَّرَفُّعُ عَلَى مَنْ نَدَبُوا إِلَى مُتَابَعَتِهِ؛ (طوسی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۷۵۶) استکبار ترک طاعت کسی است که به اطاعتش امر، و تکبر ورزیدن نسبت به کسی است که به پیروی از او دعوت شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص ۴۳).

واژه استکبار در برخی حوزه‌های معنایی علاوه بر واژه‌های هم‌ریشه مانند کبر و تکبر، به‌رغم تفاوت‌های معنایی (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۲، ص ۲۶۶) با واژه‌های دیگر نیز مشترک است از جمله کفر، ظلم، عتو، استنکاف، علو، اتراف و ادبار (افتخاری باباخانی، ۱۳۹۴، ص ۳۱)؛ همچنین در برخی آیات در مقابل واژه «ضعیف» (غافر ۴۷ و ۴۸؛ ابراهیم ۲۱) و «استضعاف» (اعراف ۷۵؛ سبأ ۳۱) به معنای ضعیف شمردن (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۸۶؛ جوهری، بی تا، ج ۴، ص ۱۳۹۰) به کار رفته است. از این رو می‌توان گفت معنای استکبار این است که کسی پس از روشن شدن حق، خود را برتر از حق ببیند و در مواردی نیز که به حق تن می‌دهد از این‌روست که آن را مطابق میل خویش یافته است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۵۸) این خودبرتربینی می‌تواند در تلاقی سه جریان اعتقادی (نفی معاد، کفر و تسلیم نشدن در برابر فرمان‌های الهی)، روحی (علو و برتری‌جویی، غرور و خودبرتربینی) و بالاخره اجتماعی (اتراف و بی‌نیاز دانستن از خداوند و نفی حقایق) حاصل آید (افتخاری باباخانی، ۱۳۹۴، ص ۲۸ - ۵۱).

با توجه به آنچه گفته شد استکبارستیزی را می‌توان مبارزه و ستیز با افرادی دانست که برای خود ارزشی بیش‌ازاندازه قائل هستند. این مفهوم از زبان مقام معظم رهبری چنین تعبیر شده است: «استکبارستیزی یعنی یک ملتی زیر بار مداخله جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است». (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۹۲).

### ۳- تبیین راه‌های استکبارستیزی نیروهای انقلابی

بررسی مصادیق مستکبران و تحلیل راه‌های برخورد پیامبران با آنها و توجه به زمینه‌های استکبار و نوع استکباری که آنها در مقابل خداوند یا مخلوقات خدا از خود نشان می‌دهند بیانگر آن است که دو راه اصلی برای ستیز انقلابیون با مستکبران وجود دارد که هر دو مسیر در کنار همدیگر نتیجه می‌دهد: در مرحله اول باید نیروهای انقلابی را تقویت نمود و در مرحله بعدی به مبارزه بیرونی با مستکبران پرداخت.

#### ۳-۱- تقویت نیروهای انقلابی

یکی از مهم‌ترین راه‌های مقابله با استکبار، توجه به مقاوم‌سازی نیروهای انقلابی است تا از لحاظ اعتقادی، اخلاقی و رفتاری تقویت شده و در برابر مشکلات و تهدیدات مستکبران قوام داشته باشند. خداوند در قرآن کریم، گفتگوی بی‌سرانجام دو گروه را در قیامت با مستکبران به تصویر کشیده است که گروهی ضعیف (غافر ۴۷ و ۴۸؛ ابراهیم ۲۱) و گروه دیگر مستضعف هستند (اعراف ۷۵)؛

سبأ ۳۱). این گفتگوها نشان می‌دهد با افراد ضعیف یا مستضعف نمی‌توان در مقابل استکبار مستکبران ایستادگی کرد. تقویت نیروهای انقلابی را می‌توان در راه‌های زیر جستجو کرد:

### ۳-۱-۱- آگاهی بخشی

اطلاع یافتن از وجود استکبار و چگونگی دشمنی وی اولین راه آماده کردن نیروهای انقلابی و مقابله با استکبار است و بدون شناخت، ستیزه‌جویی با آن معنا ندارد، اهمیت شناخت دشمن در فرهنگ وحی به‌اندازه‌ای است که در حدیث نبوی در کنار شناخت پروردگار مطرح شده است: *أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ*؛ بدانید که عاقل‌ترین مردم، بنده‌ای است که پروردگارش را شناخته و اطاعتش کند و دشمنش را شناخته و نافرمانی‌اش کند (دیلمی، ۱۴۰۸ ق، ص ۳۳۷). آگاهی بخشی قرآن برای نیروهای انقلابی در زمینه استکبارستیزی را در سه مجموعه مشاهده می‌شود:

الف: بیان مصادیق کلی مستکبران؛ راه شناخت استکبار و مصادیق کلی آن از طریق دستورات کلی قرآن میسر است ولی تطبیق مصادیق بر افراد در هر عصری همانند سایر احکام اسلام وظیفه هر فرد مؤمن انقلابی است. با بررسی آیات قرآن، موارد زیر را می‌توان به عنوان مصداق کلی مستکبران معرفی کرد: ابلیس (بقره ۳۴، ص ۷۴) اشراف قوم نوح (نوح ۷)، قوم ثمود (اعراف ۷۵)، قوم عاد (فصلت ۱۵)، قوم شعیب (اعراف ۸۸)، فرعون (یونس ۷۵)، خاندان فرعون و سران قوم و سپاهیان (اعراف ۱۳۳؛ قصص ۳۹؛ مؤمنون ۴۶)، هامان و قارون (عنکبوت ۳۹)، بعضی از بنی‌اسرائیل (بقره ۸۷)، کفار (مؤمنون ۶۷؛ زمر ۵۹، سبأ ۳۱)، مشرکان (لقمان ۷، فاطر ۴۳) و منافقان (منافقون ۵)

البته مراجعه به سبب نزول برخی آیات کمک می‌کند تا برخی مصادیق دیگر آن نیز روشن گردد؛ مانند آیه *ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ (عبس ۲۲-۲۴)* که در باره ولید بن مغیره نازل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۸۳؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ص ۴۶۸؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۹، ص ۹۶)

ب: بیان زمینه‌های استکبار؛ قرآن کریم به بیان زمینه‌های استکبار پرداخته است تا نیروهای مؤمن انقلابی علاوه بر مراقبت از خود، در موقع مبارزه با دشمن نیز با کسب آمادگی قبلی، به مراقبت در زمینه‌های استکبار بپردازند و با شیوه مناسب در مقابل مستکبران ستیزه‌جویی کنند، چراکه آگاهی از زمینه‌های استکبار طرف مقابل در انتخاب نوع برخورد با وی مؤثر است؛ مهم‌ترین انگیزه‌های استکبار در قرآن عبارت‌اند از:

- قدرت و برخوردارگی از امکانات مادی؛ برخی از مستکبران مانند فرعون به امکانات و قدرت خود می‌بالیدند که قرآن چنین حکایت می‌کند: *وَتَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ (زخرف ۵۱)*. حضرت موسی علیه‌السلام هم این قدرت مادی فرعون را تأیید کرده است، آنجا که به خداوند متعال عرض می‌کند: *وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (یونس ۸۸)*

- هوای پرستی و گناه پیشگی؛ بنی‌اسرائیل برخی از پیامبران الهی را تکذیب کردند و برخی را به قتل رساندند؛ زیرا پیامبران با هوای نفس آن‌ها مخالفت می‌کردند: *أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِّقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِّقًا تَقْتُلُونَ (بقره ۸۷)*؛ قرآن در مورد فرعون و اطرافیانش واژه مجرم را به کار برده است: *ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا*

وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (یونس ۷۵) و در آیه دیگر جرم کفار را مرتبط با استکبار آن‌ها دانسته و فرموده است: وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (جاثیه ۳۱). جرم در اصل به معنای بریدن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۴۵) سپس به معنای بریدن از حق و گرویدن به باطل معنا شده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۷۰) که در اصطلاح از آن به گناه تعبیر می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۱۸) لذا مجرم به معنای گناهکار است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۸).

- برگزیده پنداری (توهم زن برتر)؛ دلیل استکبار ابلیس، توهم برتری در آفرینش بود که خود را به دلیل خلقت از آتش برتر از آدم خلق شده از خاک می‌دانست: فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (ص ۷۳ - ۷۶).

- غفلت از قدرت نامحدود الهی؛ قوم عاد به عنوان یکی از مصادیق مستکبران، خود را قوی‌ترین مردم می‌دانستند از این روی به انکار آیات الهی پرداختند که خداوند در پاسخ آن‌ها به قدرت بی‌پایان خود اشاره کرده و می‌فرماید: فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (فصلت ۱۵). همچنین قرآن در مقابل قارون که از قدرت خدا احساس بی‌نیازی می‌کرد و به علم خود می‌بالید سخن مشابهی ذکر کرده است: قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا (قصص ۷۸)

ج: هشدار نسبت به عواقب استکبار؛ قرآن کریم با هدف آگاه کردن مؤمنان انقلابی، عاقبت مستکبران را در دنیا و آخرت به طور مکرر ذکر کرده است تا از استکبار خودداری کنند و در صورت ابتلا، در درمان این بیماری بکوشند؛ از جمله در مهم‌ترین توصیه‌ها به آدم و حوا به خطر ابلیس اشاره کرده و آن‌ها را به دلیل تبعیت از وسوسه شیطان نکوهش می‌کند: فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلَّ لَكُمَا لَكُمَا عُدُوٌّ مُّبِينٌ (اعراف ۲۲). تحلیل دقیق این موضوع در گفتگوی قرآنی ضعیفان پیرو شیطان با شیطان مستکبر در قیامت دیده می‌شود که شیطان به مقایسه وعده خداوند با وعده خود می‌پردازد، قرآن سخن از سرانجام بی‌نتیجه این گفتگوها دارد: وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَّ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ (ابراهیم ۲۲). خاطر نشان می‌گردد ذکر عذاب مستکبران در مبارزه بیرونی با استکبار نیز ثمر دارد که در جای خود بحث خواهد شد.

### ۳-۱-۲- کسب آمادگی لازم در نیروهای انقلابی

لازمه هر مبارزه‌ای، آمادگی است، آمادگی در همه جنبه‌های مادی و معنوی باعث مصونیت بخشی در مقابل تهدیدات مادی و غیرمادی نیروهای استکبار می‌گردد، از جمله تقویت اعتقادات در نیروهای انقلابی باعث می‌شود تا در زمینه‌های وجودی استکبار - که بحث آن گذشت - عملکردی مناسب داشته باشند، در بعد معنوی برای جلوگیری از استکبار، فرد باید خداوند را لایق عبادت دانسته و خود را در برابر آن ضعیف نشان دهد؛ در توضیح مصادیقی می‌توان از حضرت عیسی علیه‌السلام نام برد که خداوند در بطلان عقیده تثلیث مسیحیان سخن از عبادت حضرت مسیح علیه‌السلام داده و به نکوهش استکبار می‌پردازد: لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (نساء ۱۷۲)

همچنین در مورد آمادگی برای مبارزه با استکبار شیطان، دستورهای متعددی از جمله دستور به پناهندگی به خدا داده شده است: *وَإِذَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ* (اعراف ۲۰۰ و ۲۰۱).

در بعد مادی نیز برای جلوگیری از استکبار باید ابزار لازم را به دست آورد، ابزار می‌تواند از نیروی انسانی تا تجهیزات مادی متغیر باشد؛ گاهی وجود نیروی انسانی که بتواند دفاع مناسبی از خود نشان دهد می‌تواند ابزاری برای استکبارستیزی باشد، طبق بیان قرآن، از جمله درخواست‌های حضرت موسی علیه‌السلام در آغاز رسالت، وزارت هارون است که بنا بر سیاق آیات و روایات مطرح شده برای جبران لکنت زبان حضرت موسی علیه‌السلام در هنگام خشم بود، زیرا می‌ترسید با عدم پذیرش فرعون خشمگین شود و لکنت زبانش بیشتر گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۶، ص ۳۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۴، ص ۵۹۶): *وَ أَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ* (قصص ۳۴).

اقتصاد نیز یکی از مهم‌ترین مباحث مادی است که دشمن مستکبر سعی در استفاده ابزاری از آن برای شکست نیروهای انقلابی دارد، بررسی تاریخی صدر اسلام مصادیق متعددی از آن را به نمایش می‌گذارد؛ از جمله فقر برخی از مسلمانان و حتی زندگی تعدادی از آن‌ها در کنار مسجد پیامبر بدون لوازم اولیه (واقعی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۱۹۶ - ۱۹۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۲۷۲)، باعث شد تا منافقان گمان کنند اگر کمک مالی به این افراد صورت نگیرد از اطراف پیامبر دور شده و اسلام نابود خواهد شد، قرآن کریم برنامه آن‌ها را نقل و سپس به آن پاسخ می‌دهد: *هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ* (منافقون ۷). لازم به ذکر است که دشمنان فقط به این ممانعت اکتفا نمی‌کردند بلکه اموالی را صرف می‌کردند تا از راه خدا جلوگیری کنند و به عبارتی برای تحریم نیروهای انقلابی از بذل مال دریغ نمی‌کردند: *إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ* (انفال ۳۶) از این رو قطع وابستگی اقتصادی از مستکبران می‌تواند آمادگی اقتصادی لازم را برای نیروهای انقلابی فراهم کند، اهمیت مسئله تا اندازه‌ای است که خداوند به پیامبر دستور داده است که آرزومند متاع دنیوی کفار نشود: *وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفِثَنَّهُمْ فِيهِ وَرِزْقٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَابْقَىٰ* (طه ۱۳۱).

کسب آمادگی‌های نظامی نیز بخش دیگری از ملزومات نیروهای انقلابی در برابر استکبار است، اهمیت تجهیزات نظامی برای پیشگیری از حملات دشمن به اندازه‌ای است که خداوند با صراحت ضمن دستور به آماده کردن هر نوع نیروی مادی و معنوی (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۳۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲) به صراحت دلیل آن را اعلام می‌کند که هدف ترساندن دشمنان خدا و دشمنان نیروهای انقلابی است چه آن‌هایی که شناخته شده هستند و چه آن‌هایی که هنوز ناشناس هستند؛ اعم از منافقانی که در ظاهر در کنار مسلمانان هستند و چه کفاری که هنوز با مسلمانان درگیر نشده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۹، ص ۱۱۶) و فقط خداوند از دشمنی آن‌ها آگاه است: *وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوُّ اللَّهِ وَ عَدُوُّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ* (انفال ۶۰). در برخی روایات مصداق «قوة» هر نوع سلاح (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۷۹)، تیر جنگی (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۹، ص ۴۶۸)، شمشیر و سپر (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۶۶) و حتی خضاب کردن موهای سروصورت (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۲۳) - به عنوان نوعی جنگ روانی علیه دشمن - معرفی شده است. ساخت زره توسط حضرت داود علیه‌السلام نیز نمونه از تجهیزات پیشگیرانه است: *وَ عُلْمَنَاةَ صَنَعَتْ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُخَصِّنْكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ* (انبیاء ۸۰) هرچند طبق نظر برخی مفسران «لبوس» هرگونه اسلحه

دفاعی و تهاجم مانند زره، شمشیر و نیزه را شامل می‌شود (طوسی، [بی تا]، ج ۷، ص ۲۶۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۹۰) ولی با توجه به قراین موجود در آیات قرآن «لبوس» در اینجا به معنی زره می‌باشد که جنبه حفاظت در جنگ‌ها را دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۴۷۱) و برخی روایات نیز مصداق زره برای «لبوس» را تأیید می‌کنند. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۴)

### ۳-۱-۳- ایجاد پشتوانه فرهنگی

انقلابیون بدون پشتوانه فرهنگی توانایی لازم برای مقابله با استکبار را نخواهند داشت، پشتوانه فرهنگی به‌منزله پشتیبان غیرمادی نیروهای انقلابی است که در برخی از آیات قرآن کریم به نمونه‌هایی از آن اشاره شده است؛ از جمله خداوند دستور به صبر و نماز داده و می‌فرماید که فقط افراد خاشع می‌توانند از آن استفاده کنند: *وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ* (بقره ۴۵). «الصبر» اگرچه در برخی روایات به «روزه» تطبیق داده شده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۳۷۳) لیکن منحصر در روزه نیست، بلکه آن حالت استقامت و شکیبایی و ایستادگی در جبهه مشکلات است که می‌تواند راه پیروزی بر مشکلات باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۸)؛ و با توجه به ثمراتی که نماز (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۳۱، ص ۳۸۹-۴۰۲) و صبر (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۱۸، ص ۲۴۵-۲۵۶) دارند می‌توانند به عنوان پشتوانه فرهنگی مبارزه با استکبار محسوب شوند، زیرا فقط افراد خاشع می‌توانند از این دو بهره جویند، به‌بیان‌دیگر افراد غیر خاشع و مستکبر نمی‌توانند از آن‌ها استفاده کنند.

پشتوانه دیگر فرهنگی نیروهای انقلابی، وجود رهبران شایسته و لایقی است که رهبری نیروهای انقلابی را در مقابل مستکبران بر عهده دارند و اطاعت از این رهبران، راه وصول به اهداف نیروهای انقلابی را هموار می‌کند، لذا دشمن مستکبر با شیوه‌های گوناگون با آن مبارزه می‌کند؛ شکستن قداست رهبری (مؤمن ۲۶)، ایجاد تردید در بین مردم نسبت به حقانیت رهبر (اعراف ۷۵، رعد ۴۳، فرقان ۷ و ۸؛ تغابن ۶)، استهزای رهبر (هود ۳۸، انبیاء ۳۶، حجر ۱۱، زخرف ۵۲) عیب‌جویی در رفتار رهبری در مسائل اقتصادی (توبه ۵۸) و حتی تهدید رهبر با ابزار مختلف از تبعید (توبه ۱۳، ابراهیم ۱۳، اعراف ۸۸) و زندانی کردن (شعراء ۲۹) تا قتل (آل‌عمران ۲۱، انفال ۳۰، قصص ۲۰) نمونه‌هایی از دشمنی با اصل رهبری دینی و سیاسی جامعه اسلامی است. شناخت درست رهبر جامعه اسلامی نیز لازمه اعتقادی نیروهای انقلابی است، به‌گونه‌ای که عدم شناخت صحیح شخصیت حقوقی رهبر جامعه اسلامی در غزوه احد باعث شد تا با انتشار شایعه کشته شدن پیامبر، تعدادی از مسلمانان اسلام را رها کنند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۴۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۰ و ۳۱)؛ به همین دلیل قرآن فرد پرستی را ممنوع کرده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۱۵ و ۱۱۶) و فرمود: *وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ* (آل‌عمران ۱۴۴).



قرآن کریم علاوه بر ایجاد پشتوانه معنوی فرهنگی، به شیوه‌های گوناگون سعی در فرهنگ‌سازی استکبارستیزی دارد، بخشی از این فرهنگ‌سازی مربوط به استکبارستیزی در مقابل مستکبران تاریخ دارد و بخش دیگری از این فرهنگ‌سازی مربوط به نکوهش استکبار در مقابل پروردگار متعال است که نمونه‌هایی از آن را می‌توان چنین برشمرد:

الف: معرفی الگو؛ قرآن ضمن معرفی الگوهای استکبارستیز مانند حضرت ابراهیم علیه‌السلام و تبیین احتجاج‌هایی که با استکبار داشت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۸۴-۸۷؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۵۹-۷۹) گاهی به معرفی الگوهای غیر مستکبر و تمجید از آن‌ها پرداخته است؛ از جمله به بندگی برخی پیامبران در مقابل خداوند اشاره کرده است و پرواضح است که بندگی در جهت مقابل استکبار است، از جمله به بندگی پیامبر خاتم صلی‌الله علیه و آله و سلم (اسراء ۱) و حضرت عیسی علیه‌السلام (نساء ۱۷۲) اشاره کرده و دستور به تواضع در برابر مؤمنان داده است: *وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ* (شعراء ۲۱۵) و چنین تواضعی را می‌توان بخشی از فرهنگ‌سازی برای مبارزه با استکبار مؤمنان انقلابی در برابر خدا و بندگانش دانست.

نمونه‌های دیگری از معرفی الگوهای غیرمستکبر، معرفی افرادی است که در عبادت پروردگار استکبار نمی‌ورزند، این افراد منحصر در ملائکه نیستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۸، ص ۳۸۳): *إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ* (اعراف ۲۰۶). در برخی از آیات نیز از سجده ذاتی همه موجودات از جمله ملائکه و عدم استکبار آن‌ها سخن به میان آمده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۲، ص ۲۶۵): *وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ* (نحل ۴۹)

ب: فرهنگ‌سازی با ذکر ثمرات دوری از استکبار؛ در برخی از آیات قرآن کریم، به ذکر رفتار افرادی پرداخته که استکبار نمی‌ورزند، آنگاه ثمره عدم استکبار را نیز برشمرده است، مانند ذکر ثمره عدم استکبار در برخی علمای نصرانی که می‌فرماید: *لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَرَهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ* (مائده ۸۲)

ج: فرهنگ‌سازی با مقایسه ایمان آورندگان و مستکبران؛ در برخی آیات، ایمان در تقابل با استکبار مطرح شده که بیانگر ضدیت آن دو است، کسی که خود را مؤمن معرفی می‌کند باید به فکر دوری از استکبار نیز باشد و این نوع خاصی از فرهنگ‌سازی است که با مقایسه طرفین انجام می‌گیرد: *فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا* (نساء ۱۷۳)

د: فرهنگ‌سازی با تمجید از اهل ایمان؛ در برخی از آیات سخن از سجده، تسبیح و عدم استکبار نیروهای انقلابی به میان آمده است، علاوه بر اینکه قرار گرفتن این موضوعات در کنار همدیگر بیانگر هماهنگی و تأثیر آن‌ها در همدیگر است، لیکن تمجید به گونه خاصی مطرح شده است که فقط افرادی که مستکبر نیستند ایمان می‌آورند: *إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا ... وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ* (سجده ۱۵)

ه: فرهنگ‌سازی با دعا؛ گاهی برخی موارد را می‌توان با دعا بیان کرد که نمونه بسیار واضح آن در سیره مبارزاتی امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه سجادیه دیده می‌شود (از جمله دعای ۱۴ و دعای ۴۹). قرآن کریم در برخی آیات با استفاده از ابزار دعا برای مبارزه با استکبار فرهنگ‌سازی کرده است، در چنین آیاتی، علاوه بر محتوا، استفاده از زبان دعا در شیوه بیان قرآن فرهنگ‌جدیدی در

مبارزه با استکبار را ایجاد می‌کند. نمونه‌ای از این آیات چنین است: وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنَ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنَ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء ۷۵)

بر طبق مفاد این آیه علاوه بر فرهنگ‌سازی مبارزه با استکبار با زبان دعا، وجود رهبری صالح برای استکبارستیزی نیز اثبات می‌شود، علاوه بر اینکه استمداد از پروردگار به عنوان پشتوانه فرهنگی در مقابل استکبار دیده می‌شود.

### ۳-۱-۵- معرفی راه جایگزین برای صفت کبر و استکبار

تقویت نیروهای انقلابی در مقابل استکبار زمانی کامل می‌شود که راهی جایگزین به جای استکبار و غرور در پیش روی آن‌ها قرار گیرد، این بخش از تقویت نیروهای انقلابی مربوط به جایگزینی تعظیم خداوند به جای بزرگداشت شخص یا قدرت است، توضیح آنکه خداوند در برخی آیات دستور به بزرگداشت خود داده است تا نیروهای مؤمن انقلابی به اکبر بودن پروردگار یقین کرده و با یادسپاری بزرگی پروردگار جایگزین مناسبی برای استکبار در مقابل خداوند بیابند؛ خداوند خود را کبیر (نساء ۳۴) و متکبر نامیده است (حشر ۲۳) ۲. در آیه دیگر کبریایی را از آن خود معرفی می‌کند: وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (جاثیه ۳۷) لذا در آیات مختلف دستور به بزرگداشت خدا داده شده است، از جمله می‌فرماید: وَلَتُكَبَّرُوا لِلَّهِ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (بقره ۱۸۵). همچنین می‌فرماید: وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّنْيَا وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا (اسراء ۱۱۱).

### ۳-۲- مبارزه بیرونی با مستکبران

پس از تقویت نیروهای انقلابی باید به مبارزه بیرونی با استکبار پرداخت، مهم‌ترین راه‌های مقابله بیرونی با مستکبران را می‌توان چنین برشمرد:

### ۳-۲-۱- عدم تبعیت از مستکبران

اولین قدم در مبارزه بیرونی با استکبار، عدم تبعیت از دستورات استکبار است، تبعیت از دستورات مستکبران در صورتی که آگاهانه باشد می‌تواند نشانگر نفاق فرد باشد؛ ولی گاهی تبعیت ناخواسته از مستکبران صورت می‌گیرد که باید با هوشیاری جلوی پیروی ناآگاهانه را نیز گرفت؛ خداوند خطاب به پیامبر دستور به عدم تبعیت از برخی مصادیق مستکبران نظیر کافران و منافقان داده است: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (احزاب ۱). دلیل نهی این است که تبعیت از دشمن باعث بازگشت از عقیده و در نتیجه منجر به ارتداد می‌شود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (آل‌عمران ۱۴۹). بنابراین نفاق یکی از پیامدهای تبعیت از مستکبران است و پیامد دیگر عدم نصرت پروردگار است که در آیات مربوط به اهل کتاب اشاره شده است؛ از جمله می‌فرماید: رضایت آن‌ها با تبعیت از آیینشان حاصل می‌شود و این به معنای دست کشیدن از اعتقادات و آیین اسلام است: وَكُن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِن

اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (بقره ۱۲۰). لذا می‌توان گفت اولین گام در مبارزه با استکبار پس از تقویت نیروهای انقلابی، عدم تبعیت آن‌ها از مستکبران است.

### ۳-۲-۲- بیان صریح مواضع نیروهای انقلابی

پس از عدم تبعیت از مستکبران، مبارزه با آن‌ها با بیان مواضع و اعتقادات و انکار رفتار و عملکرد مستکبران صورت می‌گیرد، به بیان دیگر نوعی مبارزه کلامی با آن‌ها روی می‌دهد، همان دستوری که خداوند به حضرت موسی علیه‌السلام دستور می‌دهد نسبت به فرعون با گفتار تذکر دهد: اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (طه ۴۳ و ۴۴). مبارزه کلامی با مستکبران با بیان صریح مواضع نیروهای انقلابی، انکار زبانی مستکبران و بیان نعمت ایمان در برابر آن‌ها صورت می‌گیرد که نمونه‌هایی در سیره انقلابیون وجود دارد، از جمله:

الف: حضرت ابراهیم علیه‌السلام بارها به طور صریح عقاید استکبار نمود و نمودیان را به چالش کشید از جمله از بت‌های آن‌ها با مجسمه بی‌روح دانسته و تبعیت از آن‌ها را گمراهی آشکار می‌شمارد: إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (انبیاء ۵۲-۵۴)

همچنین آن حضرت و پیروانش به صراحت از کفار بیزار می‌جسته‌اند: قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَاؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ (ممتحنه ۴).

ب: حضرت لوط علیه‌السلام دشمنی صریح خود را با عمل قومش اعلام می‌کند: قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ (شعراء ۱۶۸)

ج: حضرت موسی علیه‌السلام با صراحت از هر متکبری به خدا پناه می‌برد: وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ (غافر ۲۷)

د: پیروان حضرت صالح علیه‌السلام در برابر مستکبران از ایمان خود سخن به میان می‌آورند هرچند مورد انکار قرار می‌گیرد: قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَتُّم بِهِ كَافِرُونَ (اعراف ۷۵ و ۷۶)

ه: پیروان شعیب علیه‌السلام پس از تهدید به اخراج و تبعید از شهر، به طور صریح از عقاید خود دفاع کرده و پشتوانه اعتقاد خود را که توکل بر خداست بر زبان جاری می‌کنند: قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (اعراف ۸۸ و ۸۹).

و: خداوند به پیامبر خاتم دستور تبری صریح از اعمال کفار می‌دهد: وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلكُمْ عَمَلِكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا عَمِلُوا وَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ (یونس ۴۱) و در سوره کافرون با صراحت خطاب به بخشی از کفار که از پذیرش دین پیامبر خاتم خودداری می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۰، ص ۳۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۴۰؛ زمخسری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۸۰۸) با

تحقیر ضمنی آنها (ابن عاشور، ۱۹۸۴ م، ج ۳۰، ص ۵۱۰) اعلام سازش‌ناپذیری می‌کند: قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (كافرون ۱ - ۶).

ز: تهدید به عذاب دنیوی و اخروی مستکبران را نیز می‌توان جزئی از مبارزات کلامی دانست، از جمله تهدیدات زبانی قرآن در مورد مستکبران چنین است: وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (نساء ۱۷۳) خاطر نشان می‌شود در آیات زیادی به مستکبران وعده عذاب داده شده است (از جمله اعراف ۳۶، ۴۰، انعام ۹۳، زمر ۵۸ و ۵۹، جاثیه ۸، صافات ۳۴ و ۳۵، لقمان ۷، غافر ۶۰، احقاف ۲۰ و...).

### ۳-۲-۳- بیان استدلال عقلی

تبیین عقلی دلایل برای هر انسانی که بخواهد مسیر هدایت را بجوید مفید است و چه‌بسا در مورد افراد مغرور و متکبر نیز مؤثر باشد؛ شاید به همین دلیل باشد که در کتاب‌های اخلاقی، یکی از راه‌های درمان تکبر و استکبار، تفکر و اندیشه در باره پیدایش فرد و سرانجامش، عظمت خالق و سرنوشت مستکبران بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۱ و ۶۲). نمونه‌های متعددی از استدلال‌های عقلی انقلابیون در برابر مستکبران دیده می‌شود و به‌طور کلی همه انبیاء با دلایل روشن از سوی خدا آمده‌اند: قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (ابراهیم ۱۱) و در آیات متعددی برخورداری انبیاء علیهم‌السلام از «بینات» مورد اشاره قرار گرفته است (آل‌عمران ۱۸۳ و ۱۸۴، مائده ۳۲، اعراف ۱۰۱، توبه ۷۰، یونس ۱۳ و...) که به معنای دلایل واضح عقلی یا حسی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۵۷).

از جمله استدلال‌های عقلی انقلابیون، احتجاج حضرت ابراهیم علیه‌السلام در برابر نمرود است به‌گونه‌ای که موجب بهت نمرود گردید: أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (بقره ۲۵۸).

استدلال دیگر مربوط به ادعای استکباری قوم عاد است که خود را قدرتمند می‌دانستند خداوند در پاسخ آنها استدلال می‌کند که خالق آنها از خودشان قوی‌تر است: فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (فصلت ۱۵)

### ۳-۲-۴- تحقیر شخصیت مستکبران

گاهی لازم است تا شخصیت مستکبران خرد و تحقیر شود تا شاید به خود آیند و هدایت شوند؛ به عنوان نمونه ساحران پس‌ازآنکه حقانیت حضرت موسی علیه‌السلام را دریافتند و به خدای یگانه و پیامبرش ایمان آوردند در مقابل سخنان تهدیدآمیز فرعون پاسخی دندان‌شکن دادند: قَالَ آمَنْتُمْ لِي قَبْلَ أَنْ أَدْنَىٰ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ

وَأَلصَّبْنَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَتَلَعَّمْنَ آئِنًا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَيَّ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ  
إِنَّمَا تُقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (طه ۷۱ و ۷۲)

حضرت نوح علیه السلام نیز در مقابل قوم خود تعبیر تحقیرآمیزی به کار برد و آن‌ها را تهدید کرد که هیچ کاری از آن‌ها ساخته نیست: **وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ (يونس ۷۱)**

### ۳-۲-۵- تحریم مستکبران

در صورتی که نیروهای انقلابی قدرت کافی داشته باشند - که باید به سمت کسب چنین قدرتی پیش بروند - لازم است محدودیت‌هایی برای مستکبران ایجاد کرده و آن‌ها را تحریم کنند؛ نمونه‌ای از این تحریم را می‌توان اخراج ابلیس از بهشت عنوان کرد که با تعبیر تحقیرآمیز «الصاغرين» همراه است: **قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (اعراف ۱۳).** قابل ذکر است که «الصاغرين» جمع «صاغر» به معنای خوار و ذلیل (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۸، ص ۲۹) یا شدت ذلت (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۶۵) است. این تعبیر در باره اهل کتابی هم آمده است که به دادن جزیه با خواری رضایت دادند: **فَاتَّبَعُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (توبه ۲۹).**

نمونه دیگر این تحریم، دستور پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم برای اخراج یهودیان از شبه جزیره عربستان است که در آیات ۲ - ۴ سوره حشر به آن اشاره شده است (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۸، ص ۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۸۷)، بی شک لازمه اعمال چنین تحریم‌هایی، قدرت نیروهای انقلابی است.

### ۳-۲-۶- نبرد با مستکبران

در صورتی که از راه‌های فوق نتوان مستکبران را به تسلیم واداشت، یا در صورتی که در مورد برخی از آن‌ها هیچ‌یک از روش‌های فوق نتیجه‌بخش نباشد، باید به نبرد مسلحانه با مستکبران پرداخت؛ در آیات قرآن نبرد با مستکبران برای دفاع از مستضعفان تأکید شده است: **وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ (نساء ۷۵).** از این رو پیامبران نیز در کنار سایر رزمندگان در میدان‌های نبرد مشارکت داشتند: **وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتَل مَعَهُ رِيبُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (آل عمران ۱۴۶).**

مهلت چهارماهه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به کفار برای تسلیم شدن (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۶ و ۷؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۰، ص ۴۲-۴۶) که در آیات آغازین سوره توبه به آن اشاره شده است می‌تواند بخش دیگری از این نبرد همه‌جانبه با مستکبران باشد. ناگفته نماند نبرد مسلحانه با مستکبران نیز نیازمند قدرت نظامی می‌باشد که در آیه ۶۰ سوره انفال به تدارک آن دستور داده است.

بخشی از نبرد با مستکبران مربوط به عذاب‌های دنیوی استیصال است که مصادیق متعددی دارد، از جمله غرق شدن فرعون و اطرافیانش در رود نیل (بقره ۵۰، اعراف ۱۳۶، انفال ۵۴) و غرق شدن مستکبران قوم نوح (اعراف ۴۶، یونس ۷۳) که همگان را اعم از کوچک و بزرگ را فرامی‌گیرد و ریشه‌کن می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۴۸۶).

### ۳-۲-۷- هجرت و تقیه

در صورتی که فرد نتواند در مقابل دشمن با تجهیزات یا نیروی انسانی مقابله کند بهترین راه، هجرت و دوری کردن از دشمن است چنانکه اصحاب کهف چنین کردند: وَ إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا (کهف ۱۶).

عدم هجرت در این زمان باعث دوزخی شدن می‌گردد؛ چنانکه در گفتگوی ملائکه با برخی از مستضعفان بر ضرورت چنین هجرتی تأکید شده است: إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (نساء ۹۷)

استفاده از عنصر تقیه نیز در همین مورد معنا می‌یابد، توضیح آنکه گاهی مبارزه مستقیم با مستکبران امکان‌پذیر نیست یا در مبارزه مستقیم امکان دسترسی به نتایج مطلوب فراهم نیست، در چنین مواردی برای حفظ جان و ذخیره کردن نیروها برای خدمت بیشتر در راه خدا در اسلام (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۱۹). می‌توان از ابراز عقیده خودداری کرد، همان کاری که عمار برای محافظت از جان خود در برابر مستکبران قریش انجام داد (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۲۸؛ حمیری، ۱۴۱۳، ص ۱۲؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۵۵۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۲۷۳ و ۲۷۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۳۲) و عملکرد وی در آیه ۱۰۶ سوره نحل مورد تأیید قرار گرفت: مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ.

### ۴- نتیجه‌گیری

بررسی راه‌های مبارزه با استکبار، وصول به اهداف انقلاب را تسهیل می‌کند و مبارزه روشمند و هدف‌دار از نشانه‌های بلوغ جامعه اسلامی است که آسیب‌های برخورد‌های نادرست را به حداقل می‌رساند.

«انقلابیون» به معنای نیروهای انقلابی هستند و «انقلاب» به معنای دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی است که نسبت به قبل از انقلاب اتفاق می‌افتد. مصداق انقلاب در آیات قرآن بعثت انبیاء و انقلابیون، نیروهای پیرو پیامبران (اعم از خود پیامبران یا پیروانشان) هستند.

استکبار از ریشه کبر به معنای خودبرتربینی در مقابل خالق یا مخلوقات است و استکبارستیزی مبارزه با قدرت یا افرادی است که برای خود ارزشی بیش‌ازاندازه قائل هستند و در امور افراد یا ملت‌های دیگر مداخله می‌کنند.

راه‌های استکبارستیزی نیروهای انقلابی در آیات قرآن کریم در دو مسیر اصلی پیگیری می‌شود که در کنار همدیگر اثربخش هستند: تقویت نیروهای انقلابی و مبارزه بیرونی با استکبار

تقویت نیروهای انقلابی در مقابل مستکبران از راه‌های زیر انجام می‌شود: آگاهی بخشی از استکبار (با بیان مصادیق کلی استکبار، بیان زمینه‌ها و هشدار نسبت به عواقب آن)، کسب آمادگی‌های مادی و معنوی مورد نیاز نیروهای انقلابی، ایجاد پشتوانه فرهنگی، فرهنگ‌سازی استکبارستیزی (با معرفی الگوهای استکبارستیز و الگوهای غیر مستکبر، ذکر ثمرات دوری از استکبار، مقایسه ایمان آورندگان و مستکبران و استفاده از زبان دعا) و معرفی جایگزین مناسب به جای استکبار.

مبارزه بیرونی با استکبار از طرق زیر به دست می‌آید: عدم تبعیت از مستکبران، مبارزه کلامی و بیان صریح مواضع نیروهای انقلابی، ارائه استدلال عقلی در مقابل مستکبران، تحقیر شخصیت مستکبران، تحریم مستکبران، نبرد با مستکبران، هجرت و تقیه که هر کدام به تناسب در زمان و جایگاه خاص خود کاربرد دارند.

#### ۵- پی‌نوشت‌ها:

۱. از جمله می‌توان تفسیر تسنیم (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۵۹)، تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۹۸)، من هدی القرآن (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۴۳۸ و ۴۳۹)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۹، ص ۲۳۸)، تفسیر الکاشف (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۸ و ۹)، تفسیر من وحی القرآن (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۱۵۶ و ۱۵۷)، التحریر و التنویر (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۶، ص ۱۳۸)، التفسیر القرآنی للقرآن (خطیب، [بی‌تا]، ج ۸، ص ۶۵۴) و فی ظلال القرآن (قطب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶) را نام برد. چنان‌که در تألیفات غیرتفسیری برخی از علمای معاصر نیز به‌کاررفته است، از جمله شهید مطهری به مقایسه شباهت انقلاب ایران با انقلاب صدر اسلام پرداخته (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲۴، ص ۱۳۷ و ۱۴۸) و محمد شجاعیان، انقلاب پیامبر در صدر اسلام را از انقلاب‌های توحیدی محسوب کرده است (شجاعیان، ۱۳۸۲، ص ۴۸ - ۵۵) علمای دیگری نیز این تعبیر را به‌کاربرده‌اند. (ر.ک. فارسی، ۱۳۶۱، ص ۱۰ - ۱۵).

۲. معانی متعددی برای واژه «متکبر» عنوان شده است به‌ویژه آن‌که این واژه در مورد انسان‌ها دارای بار معنایی منفی می‌باشد؛ از جمله در سوره غافر آمده است: *الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَثِيرًا مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ* (غافر ۳۵) ولی در آیه مورد بحث در باره خداوند در جنبه مثبت به کار رفته است لذا معانی متعددی در بین علما برای آن مطرح شده است؛ علامه طباطبایی آن را به معنای کسی گرفته است که جامه کبریاپی پوشیده و با آن ظاهر شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۲۲). در مجمع‌البیان کسی معرفی شده است که برای صفات بزرگداشت مستحق است و برخی نظرات ضعیف نیز نقل کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص: ۴۰۱). ابن عاشور آن را به بزرگی شدید معنا نموده (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۴، ص ۲۸) و فخر رازی وجوه متعددی را به نقل از ابن عباس، قتاده، زجاج و ابن انباری نقل کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹، ص ۵۱۴) که در برخی نظرات مانند نظر قتاده که به معنای بزرگ بودن از هر بدی در نظر گرفته است با نظر نقل شده در مجمع‌البیان یکسان است. (نیز ر.ک. طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص ۳۷).

## ۶- فهرست منابع

- قرآن کریم

- صحیفه سجادیه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۸۴ م)، التحریر و التنویر، تونس: دار التونسیه للنشر، چاپ اول.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)، معجم المقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ق)، البدایه و النهایه، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر/ دار صادر، چاپ سوم.
۶. افتخاری، اصغر و باباخانی (۱۳۹۴)، مجتبی «معناشناسی استکبار در قرآن»، آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۱.
۷. انجام نجم الدینی، زهره (۱۳۹۳)، شیوه‌های استکبارستیزی در قرآن، پایان نامه سطح سه مدرسه عالی زینبیه (سلام الله علیها) کرج.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ق)، أنساب الأشراف، بیروت، دارالفکر، [بی‌چا].
۹. بی آزار شیرازی، عبد الکریم (۱۳۸۰)، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، قرآن حکیم از منظر امام رضا علیه‌السلام، ترجمه زینب کربلایی، قم: اسراء، چاپ اول.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، چاپ اول.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (بی‌تا)، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول.
۱۳. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ ق)، قرب الإسناد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، چاپ اول.
۱۴. حیدرنژاد، طاهره (۱۳۹۳)، اصول و روش‌های برخورد با استکبار در قرآن و حدیث، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۱۵. خطیب، عبدالکریم (بی‌تا)، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دار الفکر العربی، چاپ اول.
۱۶. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ ق)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام. [بی‌چا].
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت / دمشق: دار القلم / الدار الشامیة، چاپ اول.
۱۸. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم.
۱۹. سروش، محمد و حیدری، احمد (بی‌تا)، استکبار و استضعاف در قرآن، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول.
۲۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.



۲۱. شجاعیان، محمد (۱۳۸۲ ش)، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۲۲. شهیدی، سید مهدی (۱۳۸۸)، «معناشناسی واژه استکبار در قرآن کریم بر مبنای نظریه ایزوتسو»، نشریه معرفت، شماره ۱۴۳.
۲۳. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ ش)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، میزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
۲۶. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق)، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت: دار التراث، چاپ دوم.
۲۷. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول.
۲۸. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق)، مصباح المتہجد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسہ فقه الشیعہ، چاپ اول.
۳۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعہ العلمیہ، [بی جا].
۳۲. فارسی، جلال الدین (۱۳۶۱)، انقلاب تکاملی اسلام، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول.
۳۳. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، التفسیر الکبیر / مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، قم: هجرت، چاپ دوم.
۳۵. فرقانی، قدرت الله (۱۳۸۳)، استکبارستیزی در قرآن، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول.

۳۶. فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعه و النشر، چاپ دوم.
۳۷. قطب، سید (۱۴۱۲ ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، چاپ هفدهم.
۳۸. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۵ ق)، فقه القرآن، قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، [بی جا].
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، تفسیر القمی، قم: دار کتاب، چاپ سوم.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق)، الکافی، قم: دار الحدیث، چاپ اول.
۴۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.

۴۲. محدثی، کاظم (۱۳۹۶)، استکبارستیزی در سیره امیر المومنین (علیه السلام)، قم: دارالفکر، چاپ اول.
۴۳. محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول.
۴۴. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین، چاپ اول.
۴۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ ششم.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، مجموعه آثار، تهران / قم: صدرا، چاپ اول.

۴۷. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الإسلامی، چاپ اول.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول.
۵۰. نیکفر، جاسب و محمد باقری (۱۳۹۵)، «انقلاب در قرآن»، مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه معارف، شماره.
۵۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳)، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ

دوم.

۵۲. واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۱ ق)، اسباب نزول القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
۵۳. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ق)، کتاب المغازی، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ سوم.

منابع اینترنتی:

۵۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در وبگاه [khamenei.ir](http://khamenei.ir)